



# عوامل همگرایی جهان اسلام

علی اکبر گندمکار

معاونت پژوهش دفتر مطالعات قم

## چکیده

همگرایی مشترک جهان اسلام به عامل‌های متعدد درونی و برونی وابسته است. اصل‌های هم‌پوشه مشترک مسلمانان از عامل‌های اصلی همگرایی جهان اسلام است؛ مانند اصل برتری توحید، نبوت و قرآن کریم. شایع‌ترین گفت‌وگوها بیشتر عامل‌های که در همگرایی مذاهب‌های اسلام نقش دارد، مستقیم یا غیرمستقیم، در بعدهای گسترده و جهانی دینی اسلام ریشه دارد. در وضعیت کنونی، وظیفه‌ی مهم متفکران اسلام، عالمان و نخبگان مرکزهای مهم دینی و دانشگاه‌ی شیعه و سنی و فقه‌ی حنبلی و تشکیلاتی اسلام آن است که با آسپ‌شناسی عامل‌های هم‌اندیشی بحث از هر چیز افکار عمومی ملت‌های اسلام را به سمت عدالت‌طلبی، اسلام‌خواهی و وحدت امت اسلامی جهت‌دهی کنند.

در این نوشتار، عامل‌های اساسی همگرایی را ذکر می‌کنیم و به چگونگی دلالت این عامل‌ها بر همگرایی می‌پردازیم؛ عامل‌هایی همچون یکتانگاری، دین و شریعت اسلام ناب، اصل وجود کتاب مقدس، شخصیت جهانی پطبراسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله). کوشیده‌ام، در ادامه‌ی شرح هر عامل راهکار می، برای تقویت بیشتر همان عامل یا رفع موانعش، بیان شود. همچنین، در بخشی از این مقاله به ریشه‌های واگرایی و تفرقه‌های مسلمانان اشاره خواهیم کرد. در پایان نیز نگاهی بسط‌کوتاه به نتایج‌های همگرایی می‌کنیم که خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبد.

**کلواژه‌ها:** همگرایی، همبستگی، جهان اسلام، امت واحد، تقریب مذاهب اسلامی، برادری، الفت.

## اهمیت و ضرورت موضوع

بررسی عامل‌های همگرایی امت اسلامی نقش سازنده و سرفروشت‌سازی دارد؛ بدان حد که جزو نظریه‌های حلی ماست و به استدلال نیاز ندارد. گذشته از آموزه‌های دینی، تکالیف‌های ملی و عقلائی سطریری، هیچ مسلمانی خواهان تخریب انسجام نیست. ما می‌توانیم با حفظ توان بالقوه‌ی اسلامی و نیز با جلوگیری از هدررفتن نیروهای انسانی، به سرعت به هدف‌های والای اسلامی دست یابیم و پیروزی بزرگ جهان اسلام را نظاره کنیم. اگر امتی بخواهد زندگی سعادت‌مند و شرافتمندانه‌ای در عصر جهانی شدن داشته باشد و در عرصه‌های گوناگون تکنولوژی پیشرفت داشته باشد، باید روح همفکری و همگامی را در خود تقویت

کند.

غرض از انجمن و اجتماع جمع قواست

چرا که قطره چون شد مضل به هم، در دست

ز قطره هیچ نظیر ولی چون درلی گشت

هر آنچه نفع تصور کری در او، آنجاست

انسجام اسلامی دنیای اسلام محصول شناسایی و تقویت ریشه‌های همگرایی است؛ همان گونه که امی مؤمنان (علیه السلام) مکور در دوران حکومت علوی اش اعلام کرده است: نقد حکومت و حتی مخالفت با آن پذیری است؛ تا آنگاه که انسجام و وحدت مسلم‌انان شکسته نشود.<sup>۱</sup>

«اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» دو اصل مهم از اصل‌های برپای‌جامعه‌های اسلامی است. این دو حلقه‌های اتصال زنجیری‌ی ثبات نظام اسلامی‌اند. متأسفانه، در جهان اسلام، این اصول کمرنگ شده‌اند و این کم‌رنگی آسرب‌های زیادی بفراموشی‌های اسلام و جهان اسلام خواهد زد. «انسجام اسلامی» یعنی ملت‌های مسلمان، با تکی بر اشتراک‌های دینی، متحد و همگام شوند. بنابراین، واژه‌ی «انسجام» بالاتر از مسئله‌ی وحدت است؛ زیرا اگر وحدت در اندیشه، فکر، نیت و قلب است، انسجام وحدت‌رویی‌ای در عمل و بیرون است. از این رو، انسجام اسلامی نه تنها در عرصه‌ی داخلی، بلکه در عرصه‌ی منطقه و بین‌المللی جهان اسلام مدنظر است.

باتوجه به توطئه‌ی استکبار جهانی برای ایجاد تفرقه‌ی نژادی، مذهبی و ملی بین کشورهای اسلامی، انسجام اسلامی شعاری کلیدی است که ما امروز در منطقه‌ی خاورمیانه و در سطح بین‌المللی به شدت به آن نیازمندیم. اگر همه‌ی مذاهب و فرقه‌های اسلام‌ی ارتباط خود را برپایه‌ی دوراندیشی و اشتراکات همه‌جانبه تنظیم کنند، شاهد باورغ سرطری و رشد اخلاقی و معنوی کشورهای اسلامی خواهیم بود.

### جغرافیای سرطری اسلام

مجموعه‌ی مساحت جهان اسلام نزدیک به ۲۳ میلیون کثومتر مربع است که معادل یک چهارم کل خشکی موجود در جهان (۱۴۹ کثومتر مربع) است. بیش از یک چهارم جمعیت بشری حدود یک میلیون

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطابه‌ی ۱۶۹، ص ۳۲۴.

و سرچشمه میلیون نفر مسلمان هستند. کشورهای اسلامی بخش از دوسوم منبع های نفتی، یک چهارم منبع های گازی، یک دهم منبع های آهن و بسطوری از معدن های دیگر همچون طلا و مس جهان را در اختیار دارند. طبق گفته ی دانشمندان، موقعیت جغرافیایی جهان اسلام در کره ی زمینی به مثابه ی قلب جهان است. این منبع ها جهان اسلام را به نفیوی تبدیل کرده است که توان رقابت با سازمان ها و اتحادیه های اقتصادی بزرگ جهانی را دارد. مرزهای فرهنگی دنیای اسلام نغذ بخش وسیعی از جهان را در بر گرفته است. از سوی دیگر، سازمان کنفرانس اسلامی بعد از سازمان ملل و سازمان کشورهای غنی متعه د، با عضویت ۵۷ کشور اسلامی، بزرگ ترین سازمان بین المللی است. از نظر استراتژی یک نیز، جهان اسلام در حیاتی ترین نقطه ی کره ی زمینی قرار گرفته است؛ محوری مرکز خشکی های زمینی و تلاقی راه های خشکی و دریایی. علاوه بر این، کشورهای اسلامی، از تونس در شمال غربی آفریقا تا اندونزی در جنوب شرق آسیا و از قوقینستان و قزاقستان در شمال آسیا تا زنگبار در جنوب شرق آفریقا، مجموعه ای به هم پیوسته است.<sup>۲</sup> در این مطن هیچ کشور غنی اسلامی، جز کشور کوچک و ساختگی اسرائیل، وجود ندارد. از نظر تاریخی نیز، در حدود ۱۳ قرن، این مجموعه سرزمینی ها و ملت ها برای غربی ها امتی واحد بوده اند.

بنابراین، از نظر جغرافیایی، تاریخی، سرطسی و دینی ضرورت همگرایی جهان اسلام حقیقتی و انکارناپذیر است؛ ولی در حال حاضر کشورهای اسلامی از نظر اقتصادی، سرطری، فرهنگی و علمی آموزشی عقب مانده و گسست شده اند. وابستگی کشورهای اسلامی به کشورهای استعماری و امپریالیستی بخش از همبستگی میان خودشان است.

بسطوره شگفت آور است که مسلمانان در صدر اسلام با دست خالی ولی با چنگ زدن به ریسمان الهی، اطاعت از قرآن و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و انسجام توانستند بر قوای دو امپراتور بزرگ، ایان و روم، غلبه کنند؛ ولی امروز با وجود این همه امکانات هر روز قطعه ای از پیکر کشورهای اسلامی، با یرش دژخیمی، از تن جدا می شود. مقام معظم رهبری در این باره می گوید:

«ما حرفمان این است، ای مسلمانان عالم! در هر کجای دنی که هستید، اگر شما با هم دشمنی و مبارزه و جنگ نکنید و دشمنانتان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز هست، تفاوت خواهد کرد. امروز به علت دشمنی دشمنان اسلام و سرطسته او قدرت های بزرگ

<sup>۲</sup> عزیزی، عزت الله، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، فصل هشتم و نهم.

جهان به‌وسیله‌ی دولت‌های دست‌نشانده، کشورهای اسلامی غالباً دچار فقر و وابستگی و تشتت هستند؛ در حالی که اگر شما باهم باشی و نیه‌هاختان را علی‌یکدیگر و بهتر کردن دختان و دظختان استفاده کنی...».

ازاین رو، احباب می‌کند یک بار دیگر سری تاریخی وقایع جهان اسلام، از صدر تاکنون، را بازخوانی کنیم و عامل‌های واگرایی و همگنایی امت اسلامی را مطالعه کنیم تا ضعف و قوت را دریابیم و در تقویت عامل‌های همگرایی امت و دولت‌های اسلامی بکوشیم.

### عامل‌های همگرایی جهان اسلام

دانشمندان و جامعه‌شناسان، برای ایجاد انسجام و همگرایی در جامعه، عامل‌هایی را مطرح کرده اند؛ مانند زبان، ملهت، جغرافیه، فرهنگ و ... اسلام، گرچه این عنصرها را نادیده نمی‌گیرید اما آن‌ها را عنصرهای اصلی نمی‌دانند؛ بدین جهت که این عامل‌ها ظاهری و صوری‌اند. گواه آن نیز جنگ‌های داخلی و قومی جامعه‌هاست.

شه‌ی مطهری (رحمه‌الله) می‌فرماید:

«... مسلمانان مایه‌ی وفاق‌های بسطی دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمانان همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایمان و اذعان دارند. کتاب همه قرآن و قبله‌ی همه کعبه است. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه‌ی تمدن، در پیش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نظمش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی به‌خوبی می‌تواند از آن‌ها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم به وجود آورد [که در تعامل با قدرت‌های جهانی از مؤلفه‌های تعامل و هم‌سنگی قدرت برخوردار باشند] خصوصاً اینکه در متن اسلام برای اصل تأکیدی شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌کند...»<sup>۳</sup>.

باتوجه به مطلب‌هایی که ذکر شد و تتبع در قرآن و روایت‌ها، می‌توان عامل‌ها و محورهای اتحاد

<sup>۳</sup> مطهری، مرتضی، شش مقاله، ص ۵ و ۴ با اندکی تصرف.

و همگرایی امت اسلامی را این گونه بطن کرد:

## ۱ - نقش شریعت و دین مداری در همگرایی

دین مبین اسلام و همه‌ی دین‌های توحیدی دیگر وحدت‌بخش هستند و زمینه‌ی اشتراک و همگرایی امت را فراهم می‌کنند. دین به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا بر تمایل‌های خودخواهانه فائق آیند و به دلیل عشق به هموطنانشان فراتر عمل کنند. این (دین) همان شریزه‌ی نفی‌ومندی است که افراد جامعه را، با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک، به همدیگر پیوند می‌دهد. از آن رو که دین اسلام کامل‌ترین دین‌ها بر ای هدایت بشریت است،<sup>۴</sup> روشن است که بهترین معجزه‌ها و محورها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امتش پیشنهاد می‌دهد. پی امبر اسلام (صلی‌الله‌علی‌ه‌وآله) همه‌ی دین‌های توحیدی را به وحدت و انسجام مطن دین‌ها می‌خواند.<sup>۵</sup>

قرآن برای آنکه اثر شگفت‌انگیزی و معجزه‌آسای دین اسلام را در ایجاد انسجام و همگرایی میان مسلمانان بطن کند، مسلمانان را به طرد وضعی می‌اندازد که پیش از اسلام داشتند و می‌گویند:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا...»<sup>۶</sup> و همگی به ریسمان خدا جنگ زنی و پراکنده نشوین. مگر شما همان مردمی نبودین که با هم دشمن بودند و مطن طوائف و قبایطان هم‌شبه جنگ‌های خونین برپا بود و به یکدیگر بر سر موضوعات پوچی مثل نژاد و جمعیت قبطه و ثروت و غنی این‌ها فخر می‌فروختین؟ این خدا بود که نعمت دین اسلام را به شما عطا فرمود و دل‌های همه‌ی شما را مثل براده‌های آهن به سوی آهن‌ربای پر قدرت الهی (اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علی‌ه‌وآله)) جذب کرد و مطن شما الفت و محبت و برادری و برابری برقرار نمود و به سبب دین اسلام شما را یکپارچه کرد و با سلاح دین بر جهان کفر و استکبار فائق آمدین.<sup>۷</sup>

<sup>۴</sup> سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳

<sup>۵</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴

<sup>۶</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

<sup>۷</sup> ترجمه‌ی روان و سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳

علامه محمد تقی جعفری قدس سره منشأ حقیقی همگرایی امت اسلامی را «دین» می‌داند و می‌نویسد:  
 «آنچه می‌تواند حیطت انسانی را در این جهان هستی دارای فلسفه و هدف قابل قبول نماید، دین است. اصل‌ها و مبادی کلّی که متن دین الهی را تشکیل می‌دهند، همواره در طول تاریخ متحد بوده‌اند؛ بنابراین مبنای وحدت امت اسلامی همان دین فطری انسانی است».<sup>۸</sup>

همبستگی و همگرایی عامل بپند قلب‌های مسلمانان است و با وجود علاقه‌ها، سلیقه‌ها، زبان‌ها و نژادها جهان اسلام را به یکدیگر مبطل می‌کند. در اسلام محور این همگرایی دین و ارزش‌های دینی است. بنابراین، مجموعه قوانین الهی که برای هدایت بشریت از سوی خداوند بر پطمبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نازل شده است، یکی از عامل‌های مهم همبستگی و همگرایی امت و جهان اسلام است. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود: در اصل، دین اسلام چگونه مابهی وحدت و همبستگی مسلمانان سراسر دنیا است؟! سه احتمال قابل بررسی است:

الف) آنکه دین همه را به همگرایی فرامی‌خواند و بهره‌گیری از دستورهای دین عامل اتحاد کشورهای مسلمان است؛

ب) آنکه هرگاه دشمنان اسلام را نشانه گرفتند و مقدس‌های آن را زیر سؤال بردند، مسلمانان سراسر جهان متحد می‌شوند و از مقدس‌های آن دفاع می‌کنند؛

ج) آنکه داشتن دین واحد عامل وحدت است.

بنابر هر سه احتمال، دین محور وحدت و همگرایی است. بنابه گفته‌ی مفسران، «حبّل الله» در آی‌هی وحدت و همگرایی «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»<sup>۹</sup> به کامل‌ترین مصداق تفسیری شده است؛ یعنی «اسلام».<sup>۱۰</sup>

## ۲- توحی

یکی از اصل‌ی‌ترین و مهم‌ترین عامل‌های همگرایی جامعه‌های اسلامی توحی است.<sup>۱۱</sup> اصل توحی همان

<sup>۸</sup> موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۱۲ و ۲۰.

<sup>۹</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

<sup>۱۰</sup> مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۳۶۵ و روح‌البیان، ج ۲، ص ۷۲.

<sup>۱۱</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۳ و سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۹۲

ایمان به خداوند است که قلب‌های مؤمنان را بله‌م مهربان و هم‌سو می‌کند؛ گوی همه‌ی آن‌ها روحی واحد دارند. قرآن کریم مرزهای جغرافیایی، نژادی، قومی، ملیتی و... را لغو می‌کند و فقط ایمان به خداوند را مرز عقیدتی بطن می‌کند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱۲</sup> در حقیقت مؤمنان با هم برادرند؛ پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید . امید که مورد رحمت قرار گیرید.

امام خمینی (قدس سره) همواره همه‌ی قشرهای جامعه، چه شیعه، چه سنی و چه کرد، لر، ترک، بلوچ، فارس و عشایر را به وحدت کلمه زی پرچم توحیح فرا می‌خواندند:

«مسلمانان در مذاهب گوناگون، دشمنان مشترک دارند. آنان در عین آزادی عقیده و بطن و آزادی در انتخاب مذهب براساس عقل و منطق، همه در زی پرچم توحید و رسالت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم‌عقیده‌اند و آیین مقدس اسلام در جهان دشمنان بسطرد دارد. مسلمانان باید برای حفظ اسلام و دستوردهای آن، در برابر دشمنان، در یک صف باشند و با اتحاد ملی و انسجام مکتبی از کفیان و عظمت خود نگهداری کنند. پر واضح است که اگر آن‌ها در داخل جمعیت خود به صورت گروه‌های پراکنده درآیند، دشمن استعمارگر از تفرقه‌ی آن‌ها سوءاستفاده کرده و به آن‌ها آسیب شدیدی می‌رساند؛ به‌عنوان مثال اگر مسلمانان در برابر اسرائیل که دشمن شناخته شده و خون‌خوار اسلام و مسلمین است، یکپارچه و متحد باشند، هرگز این مولود نامشروع آمریکای نم‌ی‌تواند به غصب و تجاوز خود ادامه دهد»<sup>۱۳</sup>.

پس می‌توان نتیجه گرفت که یکتاپرستی به هم‌اندیشی منجر و با‌عانسجام جامعه می‌شود.

### ۳ - نیت

یکی از عامل‌های همگرایی و هم‌اندیشی امت اسلامی ایمان به پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تلامذ آن حضرت است. وجود نیت مکرّم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بزرگ‌ترین مایه‌ی وحدت و انسجام اسلامی است؛ زیرا اعتقاد

<sup>۱۲</sup> سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰

<sup>۱۳</sup> موسوی خمینی، سید روح‌الله امام خمینی (قدس سره)، صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۲ و ۴۶.



مستدل مسلمانان به ایشان به همراه عاطفه و عشق است. از این رو، ایشان مرکز عاطفها و عزیده‌های همه ی مسلمانان است و این امر یکی از موجب انس دل‌های مسلمانان می شود. در صدر اسلام، مسلمانان مانند پروانه دور شمع وجود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می گشتند و وجود ایشان مسلمانان را مانند دانه‌های تسبیح به هم بپه‌ند می داد. مسلمانان صدر اسلام آن چنان بطمیر (صلی الله علیه و آله) را دوست داشتند که در جنگ‌ها برای حفظ جان آن حضرت از یکدیگر سبقت می گرفتند. دشمنان اسلام از وجود بطمیر (صلی الله علیه و آله) وحشت داشتند؛ زیرا ایشان مهره‌ی اتحاد و عامل همبستگی مسلمانان بودند.

در عصر حاضر نفی یکی از محورهای دشمن برای تهاجم و توطئه‌ی فرهنگی علیه اسلام، اهانت به این رکن است. اهانت سلمان رشدی مرتد، کشیدن کاریکاتور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روزنامه‌ی دانمارکی و اهانت‌هایی از این دست به ساحت مقدس بطمیر اسلام (صلی الله علیه و آله) بنگر هم‌تنی واقعیت است؛ اما خشم و موضع گیری یکپارچه‌ی جهان اسلام نشان داد که مسلمانان نمی‌توانند اهانت به ایشان را تحمل کنند. از این رو، این قطب محوری را بایع بزرگ شمرد و روی آن تمرکز کرد.

او کسی که همه مسلمانان گرد او عاشقانه می گردند و او نیز ایشان را دوست دارد. «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»<sup>۱۴</sup> مسلمانان او را پدر امت<sup>۱۵</sup>، نبی رحمت<sup>۱۶</sup> و سراپا مهربانی می دانند. او در برابر امت اسلام «حریص علیکم»<sup>۱۷</sup> است و در دوره‌ی رسالت خویش آن قدر برای تعالی جامعه‌ی اسلام ی و جهانی‌سازی اسلام کوشیده است که خداوند فرمود:

«طه \* مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْوَىٰ»<sup>۱۸</sup> قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج آفتی.

بطمیر اسلام (صلی الله علیه و آله) مکرر از زبان قرآن خطاب به جامعه‌ی اسلام ی می فرمود:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ...»<sup>۱۹</sup>، و همگی به ریمان خدا چنگ زنی و پراکنده

نشوی ...

<sup>۱۴</sup> سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۶

<sup>۱۵</sup> انا و علی ابوا هذه الامة.

<sup>۱۶</sup> سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۷

<sup>۱۷</sup> سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۲۸

<sup>۱۸</sup> سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱ و ۲

<sup>۱۹</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳

چه خوب است بدانیم که برخی از مفسران در تفسیری مصداق این آیه گفته اند: مقصود از «حَبْلُ اللَّهِ» پلیمبر (صلی الله علیه و آله) است. این سخن کلامی حق است؛ زیرا خداوند دستور می‌دهد:

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۲۰</sup> و از خدا و فرستاده‌ی او «در فرامی مولوی آن‌ها» فرمان بری و باهم نزاع و ستیحه مکرپی که سست و بیچناک می‌گردی و تسلط و حکومتان از بی می‌رود.

پلیمبر (صلی الله علیه و آله) در روایتی جهان اسلام را هشدار می‌دهند و می‌گویند:

«مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا عَلَى حَقِّهَا»<sup>۲۱</sup>

از منظر پلیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که خود در همگرایی نقش مهمی دارند، هیچ عاملی نباید اتحاد و همبستگی امت اسلامی را خدشه‌دار کند و باید با عامل‌هایی که باعث تفرقه و سستی اعتقادات و دین می‌شود مبارزه کرد؛ حتی به قیمت تخریب مسجد ضرار که در پوشش دین و مسجد علی دین و مسجد برخاسته باشد. این حرکت پلیمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نشان از اهتمام جدی آن حضرت دارد به وحدت امت اسلامی. بنابراین، وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سیره و سیرت ایشان عامل پیوند اجتماعی و انسجام اسلامی است.

### با اختلاف فرقه‌ها چه کنیم؟

انجنا پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود: ما نفع معتقدیم که همه‌ی مسلمانان وجود پلیمبر (صلی الله علیه و آله) را قبول دارند؛ اما در رویکرد برون‌دینی، هر فرقه از فرقه‌های گوناگون مسلمانان (۷۳ فرقه) برای اثبات عقیده و این‌تولوژی خویش به بخشی از سیره‌ی پلیمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تمسک می‌کند. در این صورت، راه‌حل مشکل چیست؟ چگونه پلیمبر (صلی الله علیه و آله) می‌تواند یکی از عامل‌های اصلی همگرایی جهان اسلام باشد؟

در پاسخ سؤال به اجمال می‌گوییم که نخست ملاحظه می‌شود که باوجود متن مشترک و ریشه‌های مشترک دینی‌های توحیدی، موردهایی از اختلاف دینی‌ها به‌ظهور رسیده است؛ دیگر آنکه اختلاف نظر و برداشت‌های متفاوت پدیده‌ای ضروری در مسیله‌های نظری است که از آن به «اختلاف معقول»<sup>۲۲</sup> می‌گوییم. با این حال، صاحب‌نظران همواره بر تعدادی از اصل‌های کلیدی در علوم، فلسفه، اخلاق، حقوق،

<sup>۲۰</sup> سوره انفال، آیه‌ی ۴۶

<sup>۲۱</sup> کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۴، ج ۹، ص ۹۲ و بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۷۶.

اقتصاد، سرطست، هنر، ادبیت و غیبه توافق دارند. اگر اختلاف نظرها در تفسیر و تطبیق آن اصل‌های کلّی دور از غرض‌ورزی‌ها و بازی‌گری‌های تصریحی باشد، نه تنها هیچ‌گونه ضرری به اتفاق نظر بر اصل‌های کلّی مشترک وارد نمی‌آید، بلکه موجب دقت و گسترش بیشتر اصل‌های کلّی می‌شود.

#### ۴- کتاب مقدس

قرآن کریم نور هدایت، مایه نجات و اصلاح جامعه‌ی بشری، معجزه‌ی جاوید پیمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یکی از عامل‌های مهم همگرایی و اتحاد اسلامی است. گرچه برخی از اندیشمندان و مفسران در تفسیر جزئی برخی از آیات اختلاف نظر و برداشت‌های متفاوت، نه متضاد، دارند؛ اما جهان اسلام و مسلمانان بر اصل وجود قرآن به مثابه‌ی کتابی واحد اتفاق نظر دارند که خود عامل هم‌اندیشی و همگرایی آنان است. در قرآن نفی این کتاب الهی عامل وحدت بیان شده است. چنان که در برخی از تفسیرها مقصود (یکی از مصداق‌های مهم و روشن) از «حَبْلُ اللَّهِ» در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>۲۲</sup> به خود «قرآن» تفسیر شده است؛ مانند «المیزان»<sup>۲۳</sup>، «تفسیر ابن کثیر»<sup>۲۴</sup> و «تفسیر الکبیر»<sup>۲۵</sup>. برای اساس، این آیه به صراحت چنگ‌زدن به معارف و دستورالعمل‌های قرآن را عامل اتحاد و انسجام مسلمانان می‌داند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز قرآن و عترت را دو امانت گران‌بها می‌داند.<sup>۲۶</sup>

«وَلَطَمَ غَلَادِستون»، نخست‌وزیری سابق انگلیس، در سال‌های مملکتی قرن نوزدهم در مجلس عوام انگلیس گفته بود:

«تازمانی که مسلمانان از قرآن پیروی می‌کنند، سرطست خارج‌ی ما پیروزی چشمگیری نخواهد داشت و باین کتاب قرآن را که سرطی وحدت مسلمانان است از آنان بگنجیم».

امام خمینی (قدس‌سره) فرمودند:

«قدرت‌های شیطانی مطالعه کردند و دیدند قرآن کتابی است که اگر به آن عمل شود باین فاتحه‌ی غارتگری آنان خوانده شود».

<sup>۲۲</sup> سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳

<sup>۲۳</sup> المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۷.

<sup>۲۴</sup> تفسیر ابن کثیر، ج ۸، ص ۳۹۷

<sup>۲۵</sup> تفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۱۲۷

<sup>۲۶</sup> مسند احمد، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۷.

قرآن محور انسجام مسلمانان است و همواره آنان را به همگرایی در تحقق آرمان‌ها، توانمندی‌ها و شایستگی‌های قدرت جهان اسلام فراخوانده است. وحدت و یکپارچگی مسلمانان و لزوم اتحاد و اتفاق کلمه کلیدی ایشان از اصل‌ها و تعالیم‌های فرهنگ قرآنی است. در آیه‌های بسطی متعددی ضرورت وحدت و همگرایی دنیوی اسلام بیان شده است. در قرآن، با واژه‌های مختلفی بر همگرایی توصیفی و تأکیدی شده است؛ همچنین با تعبی‌های متفاوتی عامل‌های اختلاف و تفرقه نهی شده است.

قرآن با بطن علل اختلاف و جدایی، مسلمانان را به انسجام و یکپارچگی دعوت می‌کند که بجانگر اهتمام وی زهی اسلام به ای ن امر بس طو کلای دی در عرصه ها ی جهانی و بین‌المللی است. برخی از این واژه‌ها عبارتند از: «و اعتصموا»<sup>۲۷</sup>، «امه واحده»<sup>۲۸</sup>، «اخوة»<sup>۲۹</sup>، «الف بین قلوبکم»<sup>۳۰</sup>، «امه وسطا»<sup>۳۱</sup>، «رابطوا»<sup>۳۲</sup>، «تعاونوا»<sup>۳۳</sup>، «موده و رحمه»<sup>۳۴</sup> و... و نئی در جهت نفی و نهی پراکندگی و تفرقه کلان مسلمانان به تعبی‌هایی برمی‌خوریم؛ مانند «لانفرق»<sup>۳۵</sup>، «فرقوا»<sup>۳۶</sup>، «لاتنازعوا»<sup>۳۷</sup>، «اختلفوا»<sup>۳۸</sup>، «تقطعوا»<sup>۳۹</sup>، «لانفسدوا»<sup>۴۰</sup>، «احزاب»<sup>۴۱</sup>، «شریعا»<sup>۴۲</sup> و امثال این‌ها.

این در حالی است که قرآن جامعه‌های بشری را - نه تنها امت اسلامی - که اهل کتاب هستند نیز به اتحاد و همبستگی بر محور توحید فرا خوانده است و به آنان توصیفی می‌کند که از تفرقه اجتناب کنند. قرآن

<sup>۲۷</sup> سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

<sup>۲۸</sup> سوره یونس، آیه ۱۹

<sup>۲۹</sup> سوره حجرات، آیه ۱۰

<sup>۳۰</sup> سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

<sup>۳۱</sup> سوره بقره، آیه ۱۴۳

<sup>۳۲</sup> سوره آل عمران، آیه ۲۰۰

<sup>۳۳</sup> سوره مائده، آیه ۲

<sup>۳۴</sup> سوره روم، آیه ۲۱

<sup>۳۵</sup> سوره بقره، آیه ۱۳۶

<sup>۳۶</sup> سوره انعام، آیه ۱۵۹

<sup>۳۷</sup> سوره انفال، آیه ۴۶

<sup>۳۸</sup> سوره بقره، آیه ۲۱۳

<sup>۳۹</sup> سوره مؤمنون، آیه ۵۳

<sup>۴۰</sup> سوره اعراف، آیه ۵۶

<sup>۴۱</sup> سوره زخرف، آیه ۶۵ و سوره احزاب، آیه ۲۲

<sup>۴۲</sup> سوره انعام، آیه ۱۵۹

کریم، در باب دعوت اهل کتاب به اتحاد، خطاب به پطمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«قُلْ عَلَىٰ أَهْلِ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...»<sup>۴۳</sup> بگو

ای اهل کتاب، بطبیعی به کمک کلمه‌ی مشترک مطن ما و شما اتفاق داشته باشیم و آن این است که

جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم... .

## ۵- مکه‌ی معظمه و همگرایی

مکه‌ی مکرمه محل پیدایش دین مبین اسلام و مرکز تجاری حق و تعالی است و همچنین بهترین مکان مقدس روی زمین برای تجمع مسلمانان. همه ساله مسلمانان در مراسم حج، از مشرق و مغرب، به آنجا می آیند. حج محل التقای مسلمانان جهان و بامعنویت ترین جایگاه برای برادری و همدلی مطن آنان و مظهر ارتباط و الفت آنهاست. مکه‌ی معظمه و فصل حج فرصت‌ی طلایی برای موفقیت طرح همکاری و همپستگی مطن مسلمانان است؛ زیرا در آنجا همه‌ی اختلاف‌های قومی، رنگی، نژادی، ملی، مالی، مذهبی و غیبه رنگ می‌بازد و همه‌ی مؤمنان می‌توانند هرچه بیشتر در زمینه‌های روحی، عقیدتی، اجتماعی، سرطسی، فقهی و علمی بهم نزدیک شوند. شایع برای گردآوری این شمار از مسلمانان و با این تنوع در مکانی واحد به مظهرها دلار پول نظر باشد تا بتوانند در آن یکی‌دیگر را ببینند و عمل‌های واحدی را بدون اختلاف زیاد انجام دهند.

حج به تنهایی آن فصلی نیست که احساس عمیق به وحدت بزرگ اسلامی را ایجاد کند؛ بلکه «قبله» نقی چرین نقشی دارد. مسلمان هنگام اقامه‌ی نماز احساس می‌کند که یکی از مظهرها نفری است که به سوی «حیت الله الحرام» ایستاده است. گذشتگان با جمله‌ای کوتاه وحدت مسلمانان را توصیف کرده‌اند و آنان را «اهل قبله» نامیدند؛ زیرا همگی به سوی یک قبله نماز می‌خوانند و این «قبله» فصل مشترک همگان است.

## ۶- اختلاف معقول آری؛ تکفی و تفسیق نه

مکتب اسلام، تأکید می‌کند که حتی به کافران هم نباید بی ادبی و بی احترامی کرد. خداوند متعال

می‌فرماید:

<sup>۴۳</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۴۴</sup> و آن‌هایی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این‌گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم آنگاه باز گشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت.

اختلاف نظر پدیده‌ای ضروری در مسئله‌های نظری است و پدیده‌ای طبیعی در مسئله‌های عینی. اختلافات نظری بین صاحب‌نظران یکی از بدیهی‌ترین پدیده‌های معرفت‌پویست. این پدیده به قدری شایع است که حتی نمی‌توان دو متفکر صاحب‌نظر در یک رشته بحث کرد که در همه‌ی تعریف‌ها، استدلال‌ها و روش‌های همان رشته اتفاق نظر داشته باشند. این همان اختلاف معقولی است که بطمبر (صلی‌الله‌عزیه‌وآله) فرموده است:

«اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ»<sup>۴۵</sup>، اختلاف نظر در مطن امت اسلام مایه‌ی رحمت و پویایی است.

در چنین اختلاف‌هایی بایستی با سعه‌ی صدر برخورد کرد و هیچ‌یک دیگری را تکفیف و خارج از اسلام تلقی نکنند. با چنین دیدگاه و روی‌کردی است که فضای علمی شکوفا می‌شود. بنابراین، در راه رسیدن به وحدت معقول، نخستین گام وسعت دیدگاه متفکران است و عامل اساسی این وسعت، رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصب غی‌منطقی است. از آنجا که اختلاف عقیده در غی‌اصل‌های دینی به ایمان آسیبی نمی‌رساند و شخص را از اسلام خارج نمی‌کند، فقها و دانشمندان طراز اول جهان اسلام، با تأکید بر اصل‌های دینی و تکلیف بر مشترک‌های موجود مطن مذهب‌های اسلام، به صراحت اعلام می‌کنند که اختلاف‌های فرعی و جزئی موجب کفر علی‌خروج از دینی نمی‌شود.

از این رو، با مطالعه و نگاه به آثار اندیشمندان مصلح مسلمان شیعه و سنی‌درمی‌یابیم که یکی از عامل‌های منع همگرایی و برداشتن اختلاف‌ها، همانا قصه‌ی تلخ تاریخی تکفیف و تفسیق مذهب یا مسلمانی دیگری است. استاد محمد السعدی در کتاب «التکفیف فی المیزان القرآن و السنه» می‌گوید:

«تکفیف مردم، آن‌ها را اصلاح نخواهد کرد و مشکلاتشان را حل نمی‌کند و آن‌ها را به راه راست و

<sup>۴۴</sup> سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۰۸

بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۱. <sup>۴۵</sup>

درست باز نمی گرداند؛ بلکه برعکس، این تکفنی موجب تخریب چهره های دینی و نفرت مسلمانان و همه مردم از آن شده و به شیطان کمک می کند تا آن ها را پس از نام پی کردن فریب دهد.»  
امام ابوالحسن اشعری به نقل از احمد بن زاهر سرخسی، از نزدیک ترین طلوان وی، هنگام وفاتش یاران خود را جمع می کند و می گوید:

«شاهد باشی بر اینکه من هیچ یک از اهل قبله را به خاطر گناه ی تکفنی نمی کنم؛ زیرا همگی آنان به معبود واحد و یگانه ای توجه دارند و اسلام بقامی آن ها را در بر می گزید.»<sup>۴۶</sup>  
شیخ الاسلام مخزومی از امام شافعی نیز همین مضمون را نقل می کند.<sup>۴۷</sup> ابن عیینه نقل می گوید:  
«اگر درندگان گوشت مرا بخورند برای گوارا تر است از اینکه با عداوت کسری که به وحدانیت خداوند متعال و نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) اعتقاد دارد از پی بروم.»<sup>۴۸</sup>

برای رسیدن به همگرایی در سطح های خرد لی کلان نظارمند توجه به چهار مؤلفه لی شاخصه هستیم:

۱ - تفاهم نمادی؛

۲ - تنظیم سرطری؛

۳ - تنظیم اجتماعی؛

۴ - تعمیم ساختاری.

پس، برای رسیدن به همگرایی، باید گام های چهارگانه در این حوزه ها برداشته شود. این احترام به هویت متقابل، در قالب گروه های مختلف مذهبی، شاخصه هایی دارد:

- پرهیزی از تکفنی، تفسیق و انتساب بدعت به یکدیگر؛

- پرهیزی از مؤاخذه ی یکدیگر؛

- پذیری فتن عذر یکدیگر در موردهای مختلف.

آرای های محتوایی شامل چنین موضوع هایی است:

- آزادی انتخاب مذهب؛

<sup>۴۶</sup> شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۴۱، مبحث ۵۸، بی تا.

<sup>۴۷</sup> همان، ص ۱۴۲.

<sup>۴۸</sup> شرف الدین موسوی، عبدالحسین، الفصول المهمه فی تالیف الأمة، ص ۴۴، دارالزهراء، بیروت، لبنان.

- آزادی بیوان مذهب‌ها در عمل‌های شخصی؛

- آزادی مذهب‌های مختلف در بطن نظام‌مند دینی‌گاه‌های خود؛

- آزادی تعامل‌های درون‌گروهی و میان‌گروهی مذهب‌ها در صحنه‌ی تعامل با شریعت‌های دیگر

و ....

### عدم جواز تکفیی در مسطّهی خلافت و امامت

یکی از موردهایی که همواره اختلاف‌برانگیزی بوده است مسئله‌ی خلافت و جانشینی پس از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است. برخی افراد علی‌گروه‌های افراطی شیعه و سنی، به‌صورت آگاهانه علی‌جاهلانه و از روی تعصب‌ها و احساس‌های غی‌معقول و غی‌منطقی، به این اختلاف دامن زده‌اند و با حرکت‌های ناشایست و ناشرطنه‌ی خود به آسرتاب دشمن آب ریخته‌اند و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر اتحاد ملی و انسجام مسلمانان وارد کرده‌اند.

لازم است بدانیم که اگر بخواهیم دایه‌ی آموزه‌های دینی مقدس اسلام را تعیین کنیم، ذیل دو عنوان کلیدی مسئله‌های اعتقادی و عملی می‌گنجد. مسئله‌های اعتقادی خود به دو بخش ضروری و غی‌ضروری تقسیم می‌شود. در مسئله‌های اعتقادی ضروری علی‌همان‌اصل‌های دینی، جایی برای اختلاف نظر نیست. مرز اسلام و کفر باور به هم‌بندی امور است؛ یعنی ایمان به خدا، معاد، نبوت عامه و خاصه. با توجه به آی‌های قرآن، خروج از دینی اسلام وقتی است که فرد قرآن را قبول نکند:

«وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۴۹</sup> لذا خروج از اسلام زمانی صورت می‌گیرد که مخالف ضروریات‌های دینی باشد.

در مسئله‌های غی‌ضروری و نظری مجال اختلاف نظر هست. در این صورت، بر فرض اثبات نادرستی یک تفسیری برداشت که به صورت روشمند انجام گرفته است، راهی برای تکفیی وجود ندارد و نمی‌توان به دلیل بطن نظری که به نظر خطا می‌رسد، صاحب نظر را تکفیر کرد. یکی از مسئله‌هایی که به اجماع مسلمانان جزو اصل‌های دینی نیست مسئله‌ی خلافت و امامت است. حتی شیعه که آن را جزو اصل‌ها می‌داند، اعتقاد دارد امامت مربوط به مذهب است، نه اصل‌های دینی.

<sup>۴۹</sup> سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۴۴



برای نمونه علامه شریف الدین می نویسد:

«قد اجمع اهل القبلة على أنها ليست من اصول الدين...»<sup>۵۰</sup>.

عالمان سری مانند امام غزالی (م ۵۰۵ ق)،<sup>۵۱</sup> شریف الدین آمدی و تفتازانی نیز این گونه اظهار کرده اند:  
«و اعلم ان الكلام في الامامة ليس من اصول الدينات...»<sup>۵۲</sup> و لاختفاء في ان ذلك (مباحث الامامة)  
من الاحكام العمليّة دون الاعتقاديّة»<sup>۵۳</sup>.

از مغان فقها و اندیشمندان برجسته‌ی شیعه در قرن بیستم نیز شخصیت‌هایی به این مسئله پرداخته اند؛ نظیر  
امام خمینی (قدس سره) و شه‌ی محمدباقر صدر و انکار مسئله‌ی امامت را خروج از اسلام نمی‌دانند.  
امام خمینی (قدس سره) می گوید:

«امامت به معنایی که نزد امامی وجود دارد از ضرورت‌های دینی نبوده؛ چون «ضرورت‌ها» عبارت از  
امور واضح و بدئی از نظر همه‌ی طبقات مسلمین می‌باشند و شایع ضرورت از نظر بسطوی  
برخلاف آن باشد... علاوه بر این که جزو اصول مذهب‌اند و منکر آن از مذهب خروج کرده نه از  
اسلام»<sup>۵۴</sup>.

نظری این سخن را در جمله‌های شه‌ی صدر نیز می‌توان یافت.<sup>۵۵</sup>

## ۷ - گفتگو سلاجی برای خلق گفتمان و همگرایی اسلامی

یکی از دلیل‌های جدایی میان مسلمانان بی‌اطلاعی از آموزه‌های مذهبی یکدیگر و ناآگاهی از تعلیم‌ها و  
احکام فقهی همدیگر است. از آنجا که مسلمانان و گاه حتی بزرگان ایشان از نظر و عقیده‌ی دیگر مکاتب و  
مذاهب خبر ندارند، به سدگی فریب تفاوت ظاهری را می‌خورند و به هم بدگمان می‌شوند. رفتار سطحی  
اجتماعی امی مؤمنان علی (علیه السلام) بهترین الگو برای مسلمانان است تا در صورت اختلاف نظر، مصلحت  
اسلام را مقدم بدانند و از حق خود در گذرند. ایشان می‌فرماید:

<sup>۵۰</sup> شرف‌الدین، عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، ص ۱۵۳.

<sup>۵۱</sup> غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، تعلیق و مقدمه، د. علی بوملحم، ص ۲۵۳، بیروت، دارالمکتبة الهلال، ط ۲، ۱۴۲۱ ق.

<sup>۵۲</sup> آمدی، سیف‌الدین، غایة المرام فی علم الکلام، تحقیق و تعلیق، حسن محمود عبدالطیف، ص ۳۶۳، قاهره، احیاء التراث الاسلامی.

<sup>۵۳</sup> تفتازانی، شرح المقاصد، تحقیق و تعلیق عبدالرحمن عمیر، ج ۵، ص ۲۹۷.

<sup>۵۴</sup> امام خمینی قدس سره، کتاب الطهاره، ص ۴۴۱.

<sup>۵۵</sup> صدر، محمدباقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۱۵.

«وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ فَلَا تَوَازُرُونَ وَلَا تَنَاصِحُونَ وَلَا تَبَاذُلُونَ وَلَا تَوَادُّونَ»، همانا شما برادران دینی یکدیگری؛ چیزی جز درون پلیدی و نیت زشت شما را از هم جدا نساخته است. نه یکدیگر را طردی می‌دهی و نه خی‌خواه یکدیگری و نه چیزی به یکدیگر می‌دهی و نه به یکدیگر دوستی می‌کنی.<sup>۵۶</sup>

نتیجه‌ی این‌ها تهمت‌هایی است که مسلمانان به یکدیگر می‌زنند و در مواردی حتی به یورش مسلحانه و کشتار بی‌رحمانه ختم می‌شود. این امر باعث پنهانی نفاق، چنددستگی، ضعف و زبونی مسلمانان شده است. به عبارتی، مسلمانان ضعیف‌اند؛ چون پراکنده‌اند و پراکنده‌اند؛ چون عقیده‌ها و فکرهای همدیگر را نمی‌دانند. امام خمینی (قدس سره) نقل فرموده است:

«من می‌خواهم مصالحه و صلح بدهم باین طوائف و بگویم همه‌ی این‌ها یک چیزی می‌گویند ... گاهی اختلافی که بین اهل نظر و اهل علم حاصل می‌شود به این جهت است که زبان‌های یکدیگر را درست نمی‌دانند [توان برقراری ارتباط و مفاهیمی زبانی یکدیگر را به دلایلی مختلف ندارند]. هر طایفه‌ای یک زبان خاصی دارد. سه نفر بودند؛ یک فارسی، یک ترک و یک عرب. این‌ها راجع به لاهارشان بحث کردند که چه بخوریم. فارس گفت: انگور؛ عرب گفت: خبی، غن؛ ترک گفت: ما این‌ها را نمی‌خواهیم، ما اوزوم می‌خواهیم. این‌ها اختلاف پیدا کردند، برای این‌که زبان یکدیگر را نمی‌دانستند. یک نفر دیگری که هر سه زبان را می‌دانست، گفت: من می‌دانم غذای شما چیست. رفت و انگور آورد و همه گفتند: بله، ما هم این را می‌خواستیم».

بنابراین یکی از عامل‌های همگرایی این است که مسلمانان با خردورزی و منطق درست همدیگر را بشناسند و البته نخستی کسافی که باین به این شناخت دست نهند، علما و اهل فکر و نظر هستند؛ از هر دسته‌ای از مسلمانان. سید جمال‌الدین اسدآبادی نقل معتقد بود که نخست خود علما و رهبران جامعه‌ی اسلامی باید با هم مرتبط و متحد شوند. ایشان می‌گفتند:

«علما، خطبا و پیشوایان و وعاظ هر یک از کشورهای اسلامی با یکدیگر ارتباط پیدا کنند و برای تجمع خویش در اطراف جهان مراکز ارتباط و مشاوره به وجود آوردند تا برای ایجاد وحدت مطن مسلمانی در این مکان‌ها جمع شوند و برای وحدت شئون اسلامی از احکام قرآن و مفاد احادیث

<sup>۵۶</sup> نهج البلاغه، خطابه‌ی ۱۱۳، ص ۲۱۸، ترجمه‌ی محمددشتی و نیز جهت مطالعه‌ی بیشتر رک به همان، خطابه‌ی ۱۴۱.

صحیح کمک بگیند تا به مقامی برسند که قرآن و دلالت اسلامی برای آنان تعیین کرده.<sup>۵۷</sup>

ایشان همچنین اعتقاد دارند که در صورت تشکلی مجمع عمومی مسلمانان، یکی از کارهای این مجمع و مجتمع علما و صاحب نظران اسلامی این است که:

«دعوت کنندگان و سخنرانانی به نقاط دور دست بفرستند و با کسانی که نزدیک تر هستند ملاقات و مذاکره کنند و از احوال بعضی از مسلمانان در مورد دین و ملامت آنان آگاه باشند و ای آنچکه از عوامل پریشانی و ضررهایشان مطلع شوند».<sup>۵۸</sup>

بنابراین، گفتگوی علمی و منطقی بین مذهب های اسلامی موجب تحقق نظام منسجم فکری و نظری روشمند و قوت اندیشه ی اسلامی می شود.

### منطق گفتگو

بپای تحقق گفتگو بین مذهب ها، شایسته است به مفهوم گفتگو، برخی لوازم فرهنگ گفتگو و اصل های آن اشاره ای کوتاه کنیم. برخلاف جدل که بار معنایی خوبی ندارد، گفتگو ابزاری نفی و مند است برای ایجاد رابطه ها و پیوندهای اجتماعی. گفتگو زمینه ای مشترک برای جنبش سطحی، اجتماعی، اندیشه ای و اقتصادی راهم می آورد. گفتگوی منطقی روش و اصل هایی دارد و چنانچه رعایت نشود به جدال تبدیل خواهد شد. قرآن کریم بندگانی را مژده می دهد که گفته ها را می شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند.

«فَبَشِّرْ عِبَادِي \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»<sup>۵۹</sup> بشارت باد آنهایی را که سخنان را گوش فرامی دهند و از بهترین آنها پیروی می کنند؛ آنها هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها صاحبان خردند.

براساس این آیه، بایستی به سه مرحله توجه کرد تا گفت و شنودها اثربخش باشد و کارکرد همگراکنه را به دنبال داشته باشد. این مراحل سه گانه عبارتند از:

الف) تبلور فضای تبادل نظرها برای انسجام دادن به گفت و شنود و موردهای اختلاف؛

<sup>۵۷</sup> اسدآبادی، سیدجمال الدین، عروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۱۲۱، ترجمه ی زین العابدین کاظمی خلخالی.

<sup>۵۸</sup> همان، ص ۱۲۲.

<sup>۵۹</sup> سوره ی زمر، آیه ی ۱۷ و ۱۸

ب) شرحین گفتارها با حسن نیت و آگاهی یافتن از نکتها و نکوترین گفتگوها بدون پیش داوری ارزش مدارانه؛

ج) پذیرش و تسلیم در برابر سخن حق و پیروی از بهترین گفتارها.

آداب گفتگو و مناظره عبارت است از:

۱- هم ترازوی و مساوی بودن طرف‌های مناظره (مساوی بودن جایگاه علمی و فهم زبان همدیگر)؛

۲- شرحین ادعا و تأمل در آن «... فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْقَوْلَ...»<sup>۶۰</sup>؛

۳- حاکمیت فضای علمی و پرهیز از عاطفه، احساس، تعصب و نفی مطلق اندیشی؛

۴- آغاز گفتگو با نکتهای مثبت مشترک و استفاده از آن در مناظره؛

۵- پرهیز از لعن، دشنام و تحقیر و نفی پرهیز از سرطری کردن گفتگو و سرطست زدگی؛

۶- شروع و پایان گفتگو با آرامش و نتیجه‌بخشی و ...

رعایت این اصل‌ها و آداب چنان شخصیت‌ها و اندیشمندان را اهل حق و انصاف بار می‌آورد که منادی و طلایه‌دار اتحاد و انسجام اسلام‌ی، شیخ بزرگوار مرحوم شلتوت، می‌گوید:

«من در دانشکده‌ی شریعت، به صورت تطبیقی تدریس می‌کردم و در یک مسئله آرا و دیدگاه‌های تمام مذاهب اسلامی را مطرح می‌نمودم و چه بسا در میان آنها مذهب شیعه برجستگی بیشتری داشت و من در موارد زلجی رأی مذهب شیعه را به خاطر دلایل قانع‌کننده‌ی آن ترجیح می‌دادم و حتی در مسائل زلجی مطابق آن مذهب فتوا دادم؛ از جمله در مورد وقوع سه طلاق با یک لفظ که در مذهب سری درست و در مذهب شیعه نادرست است و در قانون احوال شخصی هم گنجانده شده است».<sup>۶۱</sup>

پس برای وصول به همگرایی جهان اسلام لازم نیت دستورهایی یک مذهب خاص بر دیگران تحمیل شود علی‌همه‌ی مذهب‌ها در یکدیگر ادغام شوند. مسلمانان، رهبران فکری و اندیشمندان حوزه و دانشگاه به‌جای آنکه در اختلاف‌های فرعی به فکر و آرای هم بدبین باشند، باید ضمن احترام به دیدگاه‌های

سوره‌ی الزمر، آیه‌ی ۱۷ و ۱۸<sup>۶۰</sup>

<sup>۶۱</sup> جمعی از نویسندگان، دعوه‌التقريب با تاریخ و وثایق، ص ۴۵، مصر، المجلس الاعلی لثنون الاسلامیه، ۱۹۹۱.

یکدیگر و ارزشی خوش بنیانه، مسائلها را با نقد، تحلیلی علم ی و اقامه ی دلیل و برهان پیگیری کنند . در عصر جهانی شدن ارتباطات، گفتگو و مذاکره های بطنی متفکران اسلام ی در زمینه ی موضوع های متنوع عقیدتی، کلامی، سطریمی، اجتماعی و اقتصادی می تواند کارآمدترین و بهترین راهکار برای تبدیلی فرهنگ مشاجره و اختلاف به مصالحه و تفاهم باشد.

### نتیجه:

از جمع بندی آنچه درباره ی «برخی از عامل های همگرایی جهان اسلام» ذکر کردیم نکته های چند بعدست می آید که مهم ترین آنها عبارت است از:

#### ۱- تأکیدی بر اصل ها و اعتقادهای مشترک

همان گونه که گفته شد، جهان اسلام اصل های مشترک و پذیفته شده ای دارد که همه ی مسلمانان آنها را قبول دارند و هیچ گونه اختلافی در اصل آنها مطن مسلمانان وجود ندارد. مهم ترین این اصل ها - که هر یک می تواند یکی از عامل های اثر بخش در همگرایی جهان اسلام باشد - عبارت است از:

۱- ایمان به خداوند متعال؛

۲- ایمان به حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) در مقام خاتم النبیین و پیمبر الهی؛

۳- ایمان به قرآن به مثابه ی کتاب مقدس آسمانی؛

۴- ایمان به کعبه در جایگاه قبله ی مسلمانان؛

۵- ایمان به شریعت اسلام در مقام کامل ترین و آخرین دین الهی؛

۶- ایمان به ضرورت های دینی؛

۷- ارزش ها و شعارهای اسلامی مشترک؛

۸- منافع های مشترک فرهنگی، اقتصادی و سطریمی.

#### ۲- حفظ وحدت و همگرایی با وجود اختلاف های معقول

توجه به این نکته لازم است که اختلاف های جزئی در فروع را نباید آنقدر بااهمیت و بزرگ جلوه داد

تا به هم اندیشی و همگرایی آنان آسرب و وارد شود. تفاوت درک در مسئله‌های فرعی، با حفظ وحدت در اصل‌ها، باعث نمی‌شود اختلاف و دودستگی به وجود آید و راه فساد و بی‌عدالتی هموار شود؛ مگر آنکه با تعصب و نادانی همراه باشد.

### ۳- نتیجه‌های همگرایی

اندیشه‌ی وحدت و همگرایی مسلمانان جهان نتیجه‌های گوارایی در عرصه‌های فردی، اجتماعی، امری، سرطوری و اقتصادی در خاورمیانه و حتی جهان به‌ارمغان آورده است و توجه بیش از پیش به این نتیجه‌ها، در تقویت این مهم، نقش به‌سزایی خواهد داشت.

### ۴- سیره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) (ثقل اصغر) محور وحدت و همگرایی

یکی از محورهایی که می‌تواند عامل همگرایی جهان اسلام باشد سیره، رفتار و سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) است؛ به تعبیر مولی‌الموحدین علی (علی‌السلام):

«ه‌یچ کس در حفظ وحدت امت پطبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و الفت آنان به یکی‌گر دلسوزتر از من نیست».

زی‌آنان مترجمان وحی و شارحان قرآن بودند و در امتداد خط رسالت و نبوت قرار داشتند. سؤالی که اینجا بذهن می‌آید این است که بسطوی سنت و سیره‌ی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) را مانع بزرگ نزدیکی و همگرایی مسلمانان می‌داند؛ با این تصور که موضوع سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) در واقع منبع دیگری است در برابر سنت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و بدیعی است که اختلاف منبع‌ها به اختلاف نتیجه می‌رسد. پاسخ این است که ایمان به سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) در واقع تحکیم سنت نبوی و پالایش آن از ناخالصی‌هایی است که ممکن است در مسیری نقل آن به وجود آید و مفاد آن درست برعکس جلوه دهد. همان‌گونه که از نبوت دینی اسلام و توحین به «حبل‌الله» یاد شده است، از اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز - حتی در سخنان عالمان و رهبران غی‌شرعی - به «حبل‌الله» یاد شده است. امام شافعی می‌گوید:

«آل‌النبي ذریعتی و هم‌الی‌وسیطی ارجوبهم اعطی‌غدا یجد‌طایمینی صحیحی»،<sup>۶۲</sup> خاندان پیام‌بر دستگی من هستند، آنان وسطی‌تقرب من به خداوند. امیدارم به‌خاطر آنان فردای قطعت نامه‌ی

<sup>۶۲</sup> الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۰۸.

عملم را به دست راستم بدهند.

در پاتلن بحث باید گفت دشمنان جرئت ندارند به جامعه‌ای نفوذ کنند که اتحاد و انسجام اسلامی دارد، با وحدت و همدلی به همنوعان خویش کمک می‌کند و همواره در صحنه‌های اجتماعی حضور فعال دارد؛ زیرا در این صورت نه بایک حکومت و ملت، بلکه با امتی واحد رودررو هستند. بنابراین، ثبات سطحی برآمده از اتحاد و انسجام اسلامی و همگرایی حربه‌ای است بسط کارآمد در صحنه‌های بین‌المللی که دشمنان پنهان و پنهان جهان اسلام را از طمع‌ورزی‌ها بازمی‌دارد. امروزه بر رهبران دولت مردان و مجریان جهان اسلام است که علاوه بر تقویت سازمان کنفرانس اسلامی و مجمع‌های گفتگو و مذاکره‌های عالمانه‌ی و علمی، در پی تشکیل اتحادی‌ی کشورهای اسلامی (اطالات متحد اسلامی) باشند.

## منبع‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، لاهجی، چ دوم، ۱۳۸۰.
- ۳- جغرافیای سرطری جهان اسلام، عزت‌الله عزیزی، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، تهران، چ ۱، ۱۳۷۸.
- ۴- الهی‌آیین و الجواهر، عبدالوهاب شعرائی، بی‌تا.
- ۵- صحیفه‌ی نور، امام خمینی قدس سره، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- ۶- کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، متقی هندی، مؤسسه‌الرساله، بیوت، ۱۴۰۹ ق.
- ۷- استراتژی وحدت در اندیشه‌ی سرطری اسلام، احمد موثقی، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲، پاییز ۱۳۷۵.
- ۸- شش مقاله، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چ ۱۶، ۱۳۸۲.
- ۹- الفصول المهمة فی تألیف الامه، عبدالحسین شرف الدین الموسوی، دارالزهرا، بیوت.
- ۱۰- کتاب الطهاره، امام خمینی قدس سره، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۱- بحوث فی شرح العروه الوثقی، محمدباقر صدر، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، قم، چ ۱، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۲- شرح المقاصد، تفتازانی، تحقیق و تعالیف، عبدالرحمن عمی.
- ۱۳- المسند، امام احمد بن حنبل، بیوت، دار صادر.
- ۱۴- المیزان فی تفسیر القرآن، سیدمحمدحسین طباطبائی، قم، مؤسسه‌النشر الاسلامی.
- ۱۵- تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن الکریم)، اسماعیلی بن کثیر، بیوت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۶- تفسیر الکبیر (تفسیر فخر الرازی)، محمد بن عمر، مصر، قاهره، عبدالرحمان محمد، ۱۳۵۷ ق.
- ۱۷- الاقتصاد فی الاعتقاد، الامام الغزالی، تعالیف و مقدمه، د.علی بوملحم، دارالمکتبه الهلال، بیروت، لبنان، ط ۲، ۱۴۲۱ ق.
- ۱۸- غائی المرام فی علم الکلام، سیدالدین آمدی، تحقیق و تعالیف: حسن محمود عبداللطیف، قاهره، احیاء التراث الاسلامی.



- ۱۹ - عروۃ الوثقی، سید جمال الدین اسدآبادی، ترجمه‌ی زین العابدین کاظم‌ی خلخالی، تهران، بی‌تا.
- ۲۰ - دعوة التقریب، جمع‌ی از نویسندگان، مصر، المجلس الاعلی لشئون الاسلامی، ۱۹۹۱.
- ۲۱ - استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، جمع‌ی از نویسندگان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چ ۱، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۲ - مجمع الطلین فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، دارالمعرفة.

**منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد**